

## خطبه حج

25 م شہریور 1388

سید احمد الحسن وصی و فرستادہ امام مہدی

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ مَكْنَا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ \* وَلَا جُرْ الْآخِرَةَ خَيْرَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ﴾. يوسف: 56-57

(و اینگونه ما به یوسف در سرزمین قدرت دادیم ، که هر جا می خواست در آن منزلی گزید ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم می بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم \* اما پاداش آخرت ، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند بهتر است).

ای مؤمنان ، از خداوندی که بر همه چیز قادر و تواناست بترسید و از کسی که بر هیچ چیزی قادر و توانا نیست ، نترسید ، زیرا او بر هیچ چیزی توانا نیست مگر به حول و قدرت و اراده ی خداوند سبحان. شما در این دنیا رهگذر هستید ، و هر رهگذری را ناگزیر از مقصد و پایانی ست. پس برحذر باشید که مقصد و پایان کار شما آتش نباشد ، و تلاش کنید که عاقبت کار شما ورود به بهشت باشد.

و بر هر عاقلی واجب است که راهی را پیدا کند که او را به سلامتی به سر منزل مقصود سوق دهد ؛ زیرا بعد از تمام شدن زمان و ره توشه ، دیگر پشیمانی سودی ندارد. و شما ای مؤمنان حقیقی ، بعد از آنکه از خداوند دانستید و نه از احمد الحسن ، که شما بر صراط مستقیم و راه راست در حرکت هستید و متدین به دین حقیقی هستید که خداوند سبحان آنرا می خواهد و شما را برای آن خلق کرده ؛ برای آن حقی که شما آنرا شناخته اید ، عمل کنید و عمل کنید و عمل کنید تا وقتی که نفس قطع شود ، زیرا که نجات شما در عمل کردن است و هیچ خیری در کسی که علم دارد ولی عمل نمی کند نیست.

و حقّ این است و حقّ را به شما می گویم: که ابلیس (لع) علم داشت ولی عمل نمی کرد ، پس او از علمای بی عمل بود. پس به آن چیزی که یاد گرفته اید و از خداوند سبحان آموخته اید بدون ترس و هر گونه حساسی از غیر خدا ، هر چند در نظر مردمی که به دنیا و مادیات نظر می کنند و به خداوند هیچ نظری نمی کنند بزرگ باشد ، عمل کنید.

و حقّ را به شما می گویم: مطمئن باشید ای مؤمنان ، سلام خداوند رحیم بر شما باد. خداوند سبحان شما را نجات خواهد داد زیرا که او نیکو و غیوری است که به ملت مؤمن انتخاب شده خود در هر زمان کمک می کند.

و حقّ را به شما می گویم: پدر غیور ، از فرزندان و خانواده اش دفاع می کند ، پس چگونه خداوند سبحان از امتی که آن را انتخاب کرده است ، دفاع نکند؟ آری ، شما خواستید که خداوند سبحان را یاری کنید و او نیز شما را برای نصرت و یاری دین خود قبول کرد ؛ زیرا که او نیکو است که جزای بسیار را برای عمل اندک عطاء می کند ، پس عمل کنید و عمل کنید و عمل کنید زیرا عمل مسابقه ای به سوی بهشت است و خوشا به حال برندگان ، کسانی که نامشان در صفحه ی زندگی ابدی درج خواهد شد. همیشه و از ابتدا می گفتم که ، هدایت از خداوند است و نه از احمد الحسن. پس هر کسی که خداوند سبحان او را هدایت کند ، کوهها به لرزش می آفتند ولیاوستوار باقی خواهد ماند ، زیرا که حق را از حق طلب کرده است و خدا را با خدا شناخته است ، و از ولی خدا به خاطر خدا پیروی کرده است.

ولیکن ، حال بعد از این که حق را شناختید به شما می گویم: که انصار و یاران احمد الحسن نباشید ، این بنده ای که می میرد و بر هیچ چیزی توانایی ندارد ، بلکه انصار آن زنده ای باشید که نمی میرد و بر انجام همه چیز قادر است ، انصار خدا باشید زیرا که او نیکویی است که خود را جزای کسی که او را به حق یاری می کند قرار می دهد.

مردم می گویند: ما انصار فلان و یاران فلان هستیم ولی شما بگوئید: که ما یاری دهندگان خدا هستیم. من بنده بینوا همه ی شما را بهتر و برتر از خود می بینم ، و اما کسانی که به کلمات خداوند ایمان آورده اند و به آن عمل می کنند و بر آزار و اذیت دشمنان صبر و به خاطر خدا و در راه او تکذیب می شوند من خود را حتی در مقام خادم آنها نیز نمی بینم و من تشرف و تبرک پیدا می کنم به خاک زیر پای یاران حقیقی خداوند.

من خود و خانواده ام را متاع بسیار ناچیزی می بینم که در مقابل محبوب منزّه و بلند مرتبه ام تقدیم کنم. و اما مال را که اصلاً چیزدارای ارزش و با قیمت نمی بینم که حتی بگویم متاع ناچیزی است که در برابر پروردگار سبحان تقدیم کنم. شبانه روز منتظر مرگ بوده و هستم زیرا که نتیجه ی آن ، دوری از دشمنان خدا و دیدار دوستداران خدا ، محمد و آل محمد و انبیاء و اوصیاء است. ولی سبحان الله ، مرگ را فراری دیدم از کسانی که او را طلب می کنند و او را دیدم که به شدت در پی آنانی است که از او فرار می کنند. همیشه و تا به حال تنهایی را دوست می دارم و از مردم کناره می گرفتم و با خداوند سبحان انس می گرفتم ، و خداوند می داند که چقدر آمدنم در بین مردم بر من سنگینی می کند ، مگر اینکه برای امر به معروف و نهی از منکر و یا ارشاد و توجه دادنشان

بسوی خداوند و تفکرشان به او سبحانه و بشارتشان به بهشت و هشدارشان از آتش باشد. بلکه حضورم بخصوص در بین مؤمنین بر من سنگینی می کند ، زیرا آنها برایم ارزش و احترام خاصی در نزدشان قائل می شوند و من خود را لایق آن نمی بینم همانگونه که به شدت از خداوند سبحان می ترسم که مرا بخاطر این ارزش و احترام خاصی که برایم قائل هستند محاسبه یا مؤاخذه کند.

و حق را به شما می گویم: من در ابتدا ، بیعت را برای خود نخواستم بلکه در زمان صدام طغیانگر گروهی از افراد در حوزه علمیه نجف اشرف برای بیعت با من بعنوان اینکه من فرستاده ای از طرف حضرت مهدی (ع) هستم عزم خود را جزم کردند ؛ بعد از آنکه آنها رؤیا و مکاشفه و معجزه دیدند. سپس آنها برای طلب بیعت با من از بقیه طلبه های حوزه علمیه در نجف برخاستند. خداوند می داند و آنها نیز می دانند و این اولین بیعت بود. سپس بیعت را شکستند مگر اندکی از آنها که به عهد خداوند سبحان وفا کردند. و آنانی که عهد را شکستند می گفتند: رؤیا و مکاشفه از جن است و معجزه سحر است. و تا دیروز مرا راستگوی امانتدار می خواندند و امروز مرا ساحر و دروغگو می خوانند. پس به خانه ی خویش باز گشتم و امر خود را به خداوند سپردم ؛ و به محبوبم خداوند سبحان پناه بردم. راضی به قضا و تقدیر او ، و صبور و مطمئن از اینکه خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. سپس خداوند خواست که بعد از سقوط صدام طغیانگر اندک افرادی که به عهد خداوند وفا کرده بودند مردم را به بیعت با من دعوت کنند ، بدون هیچ گونه ارشاد یا دعوتی از طرف من ، بلکه من اصلاً آنها را ندیده بودم. سپس آمدند و با من تجدید بیعت کردند ، و مرا از خانه ام خارج ساختند و این دومین بیعت بود. و این دعوت توسعه یافت و منتشر شد و تعداد مؤمنین افزایش یافت. سپس ارتداد حیدر مشتت و افرادی حاصل شد و به جز عده ی اندکی که بر عهد خداوند وفادار بودند ، کسی باقی نماند. و سپس به خانه ام بازگشتم و به محبوبم پناه بردم و بر بلاء صبر کردم و کسی برای بیعت به خویش را دعوت نکردم و لیکن خداوند خواست ، آنهائی که خداوند به ولای آل محمد پاکیزشان کرده و آنها را برای یاری قائم آل محمد (ع) قبل از اینکه دنیا خلق شود انتخاب کرده است بیابند و تجدید بیعت کنند ، و این سومین بیعت بود. بعد از اینکه مرا دو بار بر فرق سرم کوبیدند ، پس خدا را شکر که در من شباهتی از ذو القرنین و علی بن ابی طالب امیر مؤمنان (ع) قرار داد. و خدا را شکر که نخواست من امامت را طلب کنم ، بلکه خواست که امامت مرا طلب کند. و خدا را شکر که مرا در طلب دنیا قرار نداد ، بلکه خواست که دنیا مرا طلب کند. پس به خدا سوگند که مُلک و حکومت و مقام و جایگاه و اطاعت کردن مردم از من و گوش به فرمانی آنها از خود را طلب نکردم ، مگر به امر خداوند سبحان و امر امام مهدی (ع). و اگر به خاطر اقامه حجت بر حضور انصار و یارانم نبود ، طناب آنها به کشتی اش می انداختم. پس به خدا که دنیا نزد من همانگونه که خداوند متعال آن را به من نشان داده است و همانگونه که پدرم علی ابن ابی طالب (ع) آن را وصف کرده: آن را عرق خوکی در دست بیمار جذامی می بینم. خوشا به حالتان ای مؤمنان ، ای کسانی که به حاکمیت خدا و مُلک و عزل و نصبش اقرار دارید.

و اما آنهائی که دین خدا و حاکمیت و عزل و نصب او را انکار کردند ، اعم از علمای بی عمل و کسانی که از آنها پیروی می کنند ، پس به آنها می گویم: هر کاری که دوست دارید انجام دهید بدرستی که برای وارث زمینه سازی می

کنید ، بخواهید یا نخواهید ، و دنیا و آخرت را از دست خواهید داد و این است خسارت و شکست آشکار . و شما شکست خود را در دنیا و بدی حساب و تقدیرتان را پی در پی لمس خواهید کرد ، این امر را به شما تأکید می کنم از آنجایی که همه چیز را حساب کردید مگر خداوند متعال را ، پس چقدر حق خداوند در میزان و حساب شما بی ارزش است:

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...﴾. الأنعام: 91

(خدا را آن گونه که باید بشناسند ، نشناختند...).

پیروان علمای بی عمل کم کم دارند این موضوع را درکمی کنند که علماء ، آنها را در دره ای تنگ و تاریک داخل کرده اند که نه غذائی و نه آبی و نه نوری در آن یافت می شود ، پس این همان مرگ حتمی در تاریکی است . و این علمای بی عمل شروع به پس گرفتن افعال و گفته های خود کردند . پس چوپانی که کار خود را بلد نیست گوسفندان خود را برای گرگها رها می کند . و به پیروان آنها می گویم: آنها (علمای بی عمل) را رها کنید و از حق تلخ و سنگین پیروی کنید ، زیرا که نجات شما در آن است . آیا نمی بینید که شما را مانند طعمه ای برای گرگها رها کرده اند ؟ آیا عاقلی هست که خود را از مرگ حتمی در دنیا و آخرت نجات دهد ؟ از خداوند بترسید ، از کسی که می تواند روح و جسم را با هم در جهنم به هلاکت رساند . ای مردم ؛ بدرستیکه این علمای بی عمل شما را فریفته اند ، و باطل را به حق شبیه کرده اند ، پس به درستی شبیه برای آن شبیه نامیده شده است که شبیه به حق است .

امیر مؤمنان (ع) فرمود: (شبیه برای آن شبیه نامیده شده است که شبیه به حق می باشد . اما اولیای خدا چراغ آنها در آن یقین است ؛ و راهنمایی شان سمت هدایت . و اما دشمنان خدا دعاهایشان جز به گمراهی ختم نمی شود و راهنمای آنها نابینائی است ) . نهج البلاغه ج 1 ص 89 .

شما را به شورای کوچک دعوت کردند ، احکام خدا را تغییر دادند همانگونه که اهل سقیفه این عمل را در شورای بزرگ انجام دادند . پس دیروز این عمل را با علی ابن ابی طالب (ع) در مدینه انجام دادند و امروز آنرا با امام مهدی (ع) در عراق پایتخت دولت مهدویت انجام می دهند .

از حذیفه یمانی و جابر ابن عبدالله انصاری از رسول الله نقل است که ایشان فرمود: (وای بر امتم وای بر امتم از شورای بزرگ و شورای کوچک . از ایشان سؤال شد: شورای بزرگ و کوچک کدام است ؟ ایشان فرمودند: اما شورای بزرگ بعد از وفاتم در شهر خودم و برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم منعقد می شود و اما شورای کوچک در غیبت کبری در زوراء (بغداد) برای تغییر سنت و تبدیل احکام منعقد خواهد شد) . مائتان و خمسون

و امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب (ع) در حدیثی طولانی فرمود: (مرکز حکومت به زوراء (بغداد) باز می گردد و امور مردم با شورا (انتخابات) انجام می شود ، هر کسی بر چیزی غلبه کند آنرا انجام می دهد. پس در آن هنگام خروج سفیانی انجام می شود و به مدت نه ماه در زمین حاکم می شود که در آن بدترین عذابها نازل می شوند. تا اینکه باز فرمود: سپس مهدی هدایت کننده خروج می کند کسی که پرچم را از دست عیسی ابن مریم می گیرد). الملاحم والفتن: ص 266

ای مردم ، من شما را به نجات دادن خود ، از فتنه های این علمای بی عمل و گمراه و گمراه کننده دعوت می کنم ، پس به سرگذشت امت های پیش از خود بنگرید! آیا هیچ عالم بی عملی را می یابید که پیامبری از پیامبران یا وصیی از اوصیاء را یاری کرده باشد؟ پس تاریخ را دوباره با پیروی تان از علمای بی عمل ، و مبارزه با وصی امام مهدی (ع) تکرار نکنید. همانگونه که امت های پیش از شما ، از علمای بی عمل پیروی کردند و با اوصیاء و انبیای فرستاده شده خود به جنگ برخاستند.

برای یک بار هم که شده با خود منصف شوید ، و این سؤال را از خود پرسید: آیا قبل از اینکه از علمای آخر الزمان درباره ی وصی امام مهدی (ع) سؤال کنید ، از رسول خدا و ائمه درباره علمای آخر الزمان سؤال کرده اید؟ آیا از قرآن درباره موضع گیری علماء پرسیده اید ، که موضع تغییر ناپذیر آنها در هنگام مبعوث شدن انبیاء و اوصیاء چیست؟ آیا از قرآن کریم پرسیده اید ، که چه کسی آتش ابراهیم (ع) را شعله ور کرد؟ و چه کسی خواستار قتل عیسی (ع) شد؟ و چه کسانی با نوح و هود و صالح و شعیب و موسی و یونس و تمامی انبیاء و اوصیاء جنگید؟ اگر با خودتان منصف نباشید و حالا به این سؤال پاسخ ندهید ، پس به زودی در آتش جهنم حتماً با این پاسخ ، جواب خواهید داد: ﴿...رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا﴾. الأحزاب: 67 (...پروردگارا ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم پس ما را گمراه ساختند).

و اگر از خداوند در حدیث معراج سؤال کنید ، جواب را خواهید یافت. پس بدرستی که رسول خدا در شب معراج از خداوند سبحان و بلند مرتبه پرسید: (... خداوند پس آن چه وقت خواهد بود (قیام قائم)؟ خداوند عز و جل وحی فرمود: آن زمانی خواهد بود که علم برداشته شود و جهل ظاهر شود و قرائت کنندگان (قرآن و احادیث) زیاد شوند و عمل کنندگان کم گردند و فقر زیاد شود و علمای هدایت کننده کم و فقهای گمراه کننده خیانت کار زیاد گردند). بحار الأنوار: ج 52 و رسول خدا (ص) فرمودند: (زمانی بر امتم خواهد آمد که از قرآن باقی نمی ماند مگر نوشته هایش ، و از اسلام باقی نمی ماند ، مگر نامش. مسلمان نامیده می شوند در حالیکه دورترین افراد نسبت به آن هستند. مساجدشان زیبا و آراسته است ، ولیکن خبری از هدایت در آن نیست ، فقهای آن زمان شرورترین فقهای هستند که آسمان بر آنها سایه افکنده است ، فتنه از آنها خارج می شود و به خودشان نیز باز می گردد). بحار الأنوار ج 52 ص 190

ای مردم ، من شما را به ترک عبادت این بتها دعوت می کنم ، پس به تحقیق که آنها حلال خدا را برای شما حرام ، و حرام را برایتان حلال کردند ، و شما نیز از آنها اطاعت کردید ، پس آن‌ها را عبادت نمودید. از ابی بصیر از امام صادق (ع) ، گوید از آیه ی: ﴿ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ﴾ التوبة: 31

سؤال کردم. ایشان (ع) فرمودند: به خدا سوگند که آنها (احبار و راهبان) ، مردم را به عبادت خویش دعوت نکردند ، و اگر این کار را می کردند هیچ کس نمی پذیرفت. بلکه آنها حلال را حرام ، و حرام را حلال کردند ، پس (مردم) از آنجایی که خودشان هم نفهمیدند آنها را عبادت کردند). اصول کافی: ج 1 ص 73

شما را به اقرار حاکمیت خداوند در زمین و انکار حاکمیت مردم دعوت می کنم. شما را به اطاعت از خداوند و کنار گذاشتن اطاعت از شیطان و هر کسی که اطاعتش مانند اطاعت از شیطان است مانند علمای بی عمل ، دعوت می کنم. شما را به ترس از خداوند و اقرار به حاکمیتش و اعتراف به آن و کنار گذاشتن سایر حاکمیت‌ها بدون نظر افکندن به واقعیت‌های سیاسی موجودی که آمریکا آن را تحمیل کرده است دعوت می کنم. شما را به کنار زدن باطل اگر چه آن باطل موافق هوای نفستان باشد دعوت می کنم. شما را به اقرار به حق و پیروی از حق هر چند که خالی از منافع مادی باشد دعوت می کنم. به حق تلخ روی آورید زیرا در دواى تلخ شفای بیماری‌های بی علاج است. به حقی روی آورید که برایتان هیچ دوستی باقی نمی گذارد. به حق و نور روی آورید ، در حالی که نیت تان چیزی جز رضایت خداوند سبحان و بلند مرتبه و به دست آوردن آخرت و دوری جستن از تجملات دنیا و تاریکی آن نباشد. ابوذر علیه الرحمه گوید: (حبیبم رسول الله به من فرمود: ای ابوذر ، حق را بگو ، و بدرستی که من حق را گفتم و حق هیچ دوستی برایم باقی نگذاشت).

همانگونه که در قرآن کریم می خوانید: ﴿ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ... ﴾ آل عمران: 26.

(بگو خداوندا ای مالک حکومتها به هر کس که بخواهی حکومت می بخشی ...).

و همانگونه که در حج لبیک می گوئید: (لبیک اللهم لبیک ، لبیک لا شریک لک لبیک ، ان الحمد و النعمة لك ، و الملك لك ، لا شریک لك).

به این آیه و این تلبیه عمل کنید ، آن وقت می یابید که تعیین خلیفه به دست خداوند است و نه بدست مردم ؛ پس شما را چه شده است چگونه حکم می کنید؟ لبیک اللهم لبیک ، حکومت از آن توست ، و بر خلاف میل کافران به حکومت در اول الزمان و آخر الزمان ، هیچ شریکی در حکم نداری. و کافران به تعیین الهی و کسانی که از آنها پیروی کردند و پیروی می کنند خواهند دانست که بازگشتشان به کجاست ، و عاقبت از آن متقین است ؛ همان کسانی که به تعیینی جز تعیین الهی راضی نمی شوند و برای خداوند در مُلکش شریکی قائل نمی شوند. و این تلبیه ننگی است ، بر کسانی که آنرا می گویند و به آن عمل نمی کنند ، و به تعیین و مُلک الهی اعتراف ندارند. گویی چهار پایانی هستند که چیزی را می گویند که نمی فهمند بلکه آنها گمراه تر از چهار پایانند.

زیرا آن‌ها خلق شده اند تا چیزی را که می‌گویند بفهمند و لیکن اینان خود را خوار کرده اند: ﴿وَأَذَانَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرَ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾. التوبة: 3

(این ندائی است از طرف خداوند و فرستاده اش به مردم در روز حج اکبر: خداوند و فرستاده اش از مشرکین بیزارند پس اگر توبه کنید خیری است برای شما ، و اگر رویگردان شوید بدانید که شما نمی‌توانید خدا را عاجز کنید و آنان که کفر ورزیدند را به عذابی دردناک بشارت بده).

و حق را به شما می‌گویم: ای مؤمنان ، یزید (لع) نتوانست حسین (ع) را بکشد ، زیرا که حسین (ع) برای اثبات حاکمیت خدا که در سقیفه نقض شده بود ، قیام کرد و حسین (ع) در اثبات حاکمیت خداوند در زمین پیروز شد. و بدرستی که مُلک و تعیین از آن خداوند و بدست اوست نه از برای مردم و بدست مردم. نتیجه ثمره خون حسین (ع) و اهل بیت و یارانش ، بوجود آمدن امت مؤمنی بود که در مقابل طغیانگرانی که بر این امت مسلط شده بودند ، بود. و این امت مؤمن جز به تعیین الهی راضی نشدند ، و بیش از هزار سال است که این نهضت ادامه دارد ولیکن علمای بی عمل آخر الزمان آمدند تا آن چیزی را که حسین (ع) با خون پاک و مقدسش بنا کرده بود را ویران کنند ، آمدند تا حاکمیت مردم را اثبات و حاکمیت خداوند را نقض کنند. و به خاطر حسابهای دنیوی و بی ارزش ، دین خدا را فروختند و پیش خود گمان کردند که عقلهای ناقصشان قادر به تشخیص مصلحتهای دنیوی مردم می‌باشند و این در حالی است که به مصلحتهای آخروی مردم بطور مطلق نظر نکردند.

و حق را به شما می‌گویم: ای مؤمنان ، آنها نتوانستند حسین (ع) را از بین ببرند زیرا که حسین (ع) و انقلاب الهی اش که بر پایه ی تعیین الهی شکل گرفت به واسطه ی شما پا برجاست. اما آنها ، زمانی که ادعا می‌کنند که بر حسین (ع) گریه می‌کنند یا ایشان را زیارت می‌کنند بدرستیکه حسین (ع) آنها را لعنت می‌کند ، زیرا آنها قاتلان امام حسین (ع) در این زمانند. به تحقیق ، آنها تلاش می‌کنند که نهضت حسینی را ویران کنند و هدفش را ضایع کنند ، ولی آنها شکست خوردند و شیطان مأیوس بازگشت ؛ زیرا که دست‌های پاک شما شعله ی این نهضت را به دست گرفت و تصمیم گرفتید که با خونهای پاکتان از هدف مبارکش یعنی حاکمیت خدا در زمین محافظت کنید. احمد الحسن بنده ای ضعیف است که هیچ چیزی ندارد مگر یقینش به اینکه: هیچ قدرتی نیست مگر به قدرت خداوند. و یقینش به اینکه: اگر با این یقین با کوه‌ها به مواجهه بپردازد آنها را ویران خواهد کرد. و من می‌دانم که آنها (مخالفین) اموال زیادی دارند که آنرا در اختیار کسانی قرار می‌دهند که از ایشان اطاعت مطلق می‌کنند ، و رسانه های جمعی فراوان و دولت و سلطه بزرگی که برایشان طبل و شیپور می‌زنند را در دست دارند. و همچنین آمریکا را در کنار خود دارند که آن را راضی می‌کنند و آن هم آنها را راضی می‌کند و من می‌دانم که آنها چیزهای زیادی در این عالم جسمانی دارند ، و لیکن با آنها با این یقین و این کلمه روبرو می‌شوم:

لا قوة الا بالله



هیچ قدرتی نیست مگر به قدرت خداوند

با آن‌ها روبرو می‌شوم همانگونه که حسین (ع) با اجدادشان روبرو شد ، و تمام عالم ، کربلای جدیدی را بر این زمین خواهد دید ؛ کربلایی که در آن حسین (ع) و یاران اندکش وجود دارند که به حق و حاکمیت خدا دعوت می‌کنند ، و حاکمیت مردم ، دموکراسی آمریکا و سقیفه ی علمای بی عمل را انکار می‌کنند. کربلایی که در آن شریح قاضی و شمر بن ذی الجوشن و شبت بن ربیع علمای بی عمل ، که فتوای قتل امام حسین را دادند ، وجود دارد ، کربلایی که در آن یزید و ابن زیاد و سرجون حضور دارند و روم (آمریکا) پشتیبان آنهاست. و تمام عالم ، حوادث و مصیبت هایی که در رسالت جدید عیسی بن مریم در سرزمین مقدس رخ خواهد داد ، را خواهد دید. و سرزمینی مقدس و عیسایی دیگر به همراه حواریون اندک و مستضعفش که می‌ترسند مردم آنها را بکشند ، خواهد بود. و سرزمینی مقدس که در آن علمای یهود که خواستار قتل عیسی (ع) می‌باشند و روم (آمریکا) که خواسته های آنها را عملی می‌کند و سعی در قتل عیسی (ع) دارد ، خواهد بود.

عیسی (ع) فرمود: (ای علمای بد کردار ، امر خداوند همانگونه که شما آرزو دارید و انتخاب می‌کنید نیست ، بلکه این‌گونه است که: خانه را می‌سازید برای مرگ ، و بنا می‌سازید و عمران می‌کنید برای خراب شدن ، و برای بهره برداری وارثان تلاش می‌کنید). قصص الانبیاء.

و تمام حوادث و مصیبت‌ها تکرار خواهند شد ؛ خداوند اینگونه اراده فرموده است و اراده پروردگاری که اولیاء و انبیاء و فرستادگانش را یاری می‌کند اینگونه می‌باشد: ﴿لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾. الصافات: 173-171

(وعدۀ ی قطعی ما برای بندگان فرستاده مان از پیش مُسلمشده ، که آنان قطعاً یاری شدگانند ، و بدرستیکه لشکر ما همان پیروز شوندگان هستند).

به زودی پروردگار محمد بر ظالمین بر روی زمین پیروز خواهد شد ، و از فرزندان قاتلان امام حسین (ع) انتقام خواهد گرفت ، زیرا که آنها راضی به اعمال پدرانشان شدند. هر کس از شما که می‌خواهد ایمان بیاورد ، ایمان بیاورد و پاکان خود را پاکتر کنند و مقدسان خود را مقدس تر کنند. و هر کس از شما که خواست کافر شود ، کافر شود و گناهکارتر و نجس تر شود. علمای بی عملتان را پیروی کنید هیزمها را فراهم کنید و آتش را برای ابراهیم (ع) شعله ور سازید و نوح (ع) را به مسخره بگیرید و شمشیر زهر آلود را برای شکافتن فرق سر علی (ع) ، و اسبهای خود را برای له کردن سینه ی امام حسین (ع) مهیا سازید. ولیکن هرگز سازش نمی‌کنم ، هرگز کنار نمی‌آیم ،

هرگز از مواجهه ی با عثمان زمان خود و به رسوا ساختن او در مقابل دیدگان همه دست بر نمی دارم. آری ، این روبرو شدن من ، سخت تر از روبرو شدن جدم رسول خدا با بتهای قریش است ، زیرا که آن بتها از سنگ بودند ، ولیکن این بتهایی که من امروز با آنها روبرو می شوم بتهایی هستند که لباس رسول خدا را پوشیده اند و خود را شبیه به حاملان قرآن کرده اند ، و ادعای نیابت عام از امام (ع) را دارند ، بتهایی که وارثان دشمنان انبیاء و مرسلین هستند ، و می دانند که چگونه قرآنها را بالای نیزه ها سر کنند تا لشکر علی (ع) را شکست دهند ، ولی نمی دانند که هیچ قدرتی نیست مگر به قدرت خداوند.

و خدا را شکر که تنها نیستم ، بلکه عده ای از مؤمنین با من هستند. برای من افتخار و شرفی است که خادم آنها باشم ، حق را در سینه ی خود حمل کردند و به سوی خدا و به سوی نور رفتند ، و راضی نمی شوند مگر به نوری که ذره ای تاریکی در آن نباشد. ﴿وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكَيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ تَوَكَّلْتُ بِاللَّهِ فَأَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُون﴾ .  
یونس: 71

(سرگذشت نوح را بر آنها بخوان در آن هنگام که به قوم خود گفت: ای قوم من ، اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی ، بر شما سنگین و غیر قابل تحمل است ، هر کار از دستتان ساخته است بکنید. من بر خدا توکل کرده ام. فکر خود ، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید ، سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند (تمام جوانب کارتان را بنگرید) سپس به حیات من پایان دهید ، و لحظه ای مهلتم ندهید اما توانایی ندارید).

پس اراده ی خداوند اینگونه خواهد بود ، همانطور که همیشه بوده است: طغیانگران پیروز گردند ، و رسولان و فرستادگان و مؤمنان به قتل برسند. پس ما برای دنیا خلق نشده ایم بلکه برای آخرت خلق شده ایم. پروردگارا اگر این تو را راضی می کند پس بگیر تا راضی شوی.

یا اینکه اراده ی خداوند این بار تغییر کرده است تا تمام عالم ببینند ، گروهی مستضعف که چیزی در دست ندارند بجز یقینشان که هیچ قدرتی نیست مگر به قدرت خداوند ، پیروز می شوند ، و شرورترین طغیانگرانی که زمین تا به حال مثل آنها را به خود ندیده است را شکست می دهند. به زودی این علمای بی عمل خواهند گفت ، بلکه بعضی از آنها گفتند: سید احمد الحسن را بکشید ، زیرا که او علیه علماء سخن می گوید. بله ، علیه علماء سخن می گوید ، زیرا که می خواهد سنت رسول خدا را به صورت اول بازگرداند ، و اصلاً کدام عالم ؟ آنها با کسی که اندکی از حق را بیاورد می جنگند ، چه رسد به من که امروز تمام حق را آورده ام. سیره ی انبیاء و فرستاده گان و سیره ی ائمه و اوصیاء ، سیره محمد و علی (ع) ، سیره حسین (ع) و سیره امام مهدی (ع).

سیرت عیسی (ع) که می گوید: (خادمم دستانم است و مرکبم پاهایم ، زیر اندازم زمین و متکایم سنگ است ، و گرمایم در زمستان ، مشرق زمین است. و چراغم در شب ، ماه است. و خورشتم گرسنگی و شعارم ترس است. و لباسم از پشم است. و میوه و ریحانه ام گیاهانی است که زمین برای وحشی ها و چهارپایان می رویاند. شب

هنگام می خوابم در حالیکه چیزی ندارم ، و صبح هنگام بیدار می شوم در حالیکه چیزی ندارم. و هیچ کسی بر زمین ثروتمندتر از من نیست.)قصص الأنبياء

و نیامده ام که بدون مقدمه سازی و آماده سازی الهی شما را به تمام حق ، و به حق مطلق دعوت کنم. بدرستی که خداوند ، حقیقت این علمای بی عمل را به شما نشان داد ، آن زمانی که علمای با عمل را مبعوث کرد که ایشان را به اندکی از حق فرا خواندند ، پس ، علمای بی عمل با قتل و فراری دادن ، با آنها مقابله کردند ، شخصیتشان را ترور کردند ، و اینگونه برای طغیانگران ، زمینه ی قتل بدنی و تبعید کردن آنها را فراهم نمودند. و نمونه های بارز علمای هدایتگر زمان معاصر ، سید روح الله خمینی و سید محمد باقر صدر و سید محمد محمد صادق صدر می باشند. کور شود چشمانی که حقیقت را نمی بینند و یا از آن چشم پوشی می کنند.

ای مردم ، این چه دامی است که شما را در آن انداخته اند؟ آیا عاقلانه است که هر دفعه به کشتن پیامبر یا امام و یا عالمی با عمل کشیده شوید ، و با علمای بی عمل و گمراه همراه شوید تا زمانی که کار از کار گذشته بر سر و سینه می زیند و اشک خون می ریزید و بر عمل زشت خود اظهار پشیمانی می کنید ، سپس هر بار آنرا تکرار می کنید و علمای گمراه بی عمل را پیروی می کنید و دوباره همان مار از همان سوراخ شما را نیش می زند.

بیدار شوید ای خفتگان ...

بیدار شوید ای مردگان ...

آیا می دانید حال من و حال این علمای بی عمل بر زبان عیسی (ع) چگونه است؟ پس این داستان را از عیسی (ع) بشنوید: صاحب يك مزرعه انگور ، مزرعه را در دست کارگران خویش گذاشت و به جای دوری سفر کرد. سپس تصمیم گرفت مزرعه را باز ستاند برای همین وکلای خود را فرستاد ، تا مزرعه و محصولات آن را پس بگیرند ولی کارگران ، وکلایش را به قتل رساندند ، سپس فرزند خود را فرستاد و با خود گفت: احترام پسر را نگه می دارند و مزرعه و محصولات را به او می دهند. و لیکن آن ها وقتی که فرزندش را دیدند گفتند: این تنها پسر و وارث اوست ، او را می کشیم تا مزرعه و محصولاتش برای ما بماند.)انجيل متی: اصحاح 21

کسانی که مزرعه را پس نمی دادند همان علمای بی عمل بودند و صاحب آن مزرعه امام مهدی (ع) بود ، و وکلایی را که فرستاده بود ، همان علمای با عملی بودند که کشته و شهید شدند ، ولیکن پسرش همان کسی است که بین شما فریاد می زند:

بیدار شوید ای خفتگان...

بیدار شوید ای مردگان... بیدار شوید

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ فاطر: 22

(مردگان و زندگان با هم برابر نیستند ، خداوند پیام خود را به گوش هر کس که بخواهد می رساند و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی)

بیدار شوید ای خفتگان...

بیدار شوید ای مردگان...

این علمای بی عمل بخاطر دنیای خویش ، به خاطر دنیای هارون الرشید می خواهند ، موسی بن جعفر (ع) را زندانی و یا بکشند.

بیدار شوید ای خفتگان...

بیدار شوید ای مردگان...

و آن ها (علمای بی عمل) را تبعیت نکنید ، و با آنها در اعماق جهنم نروید. به سوی خداوند باز گردید زیرا ذات منزهش هر کاری را که در عراق و در تمام عالم انجام می دهد به خاطر این است که اهل زمین به خود بیایند ، و شاید که به سوی حق هدایت شوند خداوند متعال می فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾. الروم: 41

(فساد ، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند ، شاید بازگردند).

و همچنین می فرماید: ﴿وَلَنذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾. السجدة: 21

(به آنان از عذاب نزدیک (عذاب دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم ، شاید بازگردند).

و همچنین می فرماید: ﴿وَمَا نَرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ الزخرف: 48 (ماهیچ آیه به آنان نشان نمی دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر بود و آنها را به انواع عذاب گرفتار کردیم شاید باز گردند).

و همچنین می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيَةِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾. الأحقاف: 27 (ما آبادیهایی را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم ، و نشانه های خود را بصورت های گوناگون بیان کردیم شاید بازگردند)

به سوی خدا باز گردید.....

به سوی حق باز گردید.....

به سوی کتاب خدا و صاحبش باز گردید.....

زیرا در بازگشتتان به حق ، خیر دنیا و آخرت وجود دارد ، و نجات شما از عذاب در دنیا و آخرت می باشد و هیچ راه دیگری برای رهایی وجود ندارد پس این همان روز الهی است که اولیاء و یارانش را در آن پیروز می گرداند:

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾. الزخرف: 28

(او کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد ، شاید به سوی خدا بازگردند).

امیر مؤمنان (ع) فرمود: (و بعد از من بر شما زمانی خواهد آمد که در آن هیچ چیزی پنهان تر از حق ، و آشکارتر از باطل ، و بیشتر از دروغ بستن بر خدا و رسولش نخواهد بود. و در نزد اهل آن زمان ، متاعی بی ارزش تر از قرآن اگر تلاوت شود آنگونه که باید تلاوت شود ، و پر مشتری تر از آن ، اگر تحریف شود نخواهی یافت. و در سرزمینها چیزی نا مانوس تر از معروف (خوبی) ، و مانوس تر از منکر (بدی) ، نخواهی یافت. حاملان کتاب ، کتاب را پشت سر خود انداختند ، و حافظان کتاب آنرا فراموش کردند. پس در آن زمان ، قرآن و اهلس رانده و کنار گذاشته می شوند و دو رفیقند که در یک راه با هم مسیرند ، و هیچ پناهگاهی آنها را پناه نمی دهد. پس در آن زمان قرآن و اهلس در میان مردم هستند ولی نه در بین جمعیشان و همراهشان ، زیرا که گمراهی و هدایت یکجا جمع نمی شوند ، مردم بر فرقه فرقه شدن و کنار گذاشتن جماعت با هم توافق کردند ، گویی که آنها امامان کتاب (قرآن)

هستند و نه کتاب امامشان. پس در نزدشان باقی نخواهد ماند از آن (قرآن) جز اسمش ، و نمی شناسند از آن جز خط و حرکاتش را ، و از قبل چه بلاهایی که سر بنده های صالح خدا نیاوردند. و راستگویی آنها را دروغ بستن بر خدا نامیدند و جزای کار خیر را شر قرار دادند). نهج البلاغه ج 2 ص 41.

ای مؤمنان ، این روزها ، روزهای حج است. حجتان بر شما مبارک باشد. فرقی نمی کند که به کعبه رفته باشید یا اینکه در خانه هایتان هستید و از شما جلوگیری شده باشد ، بدرستیکه حج گذاران حقیقی شما هستید ، هر چند که در خانه ی خود باشید ، زیرا که خانه خدا در قلبهای شماست ، و بدرستیکه خدا ، حج را بر مردم واجب کرد تا ولایت و یاری شان را به قائم آل محمد (ع) عرضه کنند ، پس رویگردانان از قائم آل محمد (ع) ، ولایت و یاری شان را به چه کسی عرضه خواهند کرد؟

و حق را به شما می گویم: ﴿أَمْوَاتٌ غَيْرَ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾. النحل:21:(آنها مردگان بی جانی هستند که نمی دانند چه زمانی مبعوث خواهند شد)

اهل جاهلیت نیز حج به جا می آوردند: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾. الانفال: 35

(نمازشان نزد خانه خدا ، چیزی جز سوتکشیدن و کف زدن نبود ، پس بچشید عذاب الهی را بخاطر کفرتان). حال امروزی ها نیز مانند دیروزی هاست: ﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾. الذاریات:

59

(و برای کسانی که ستم کردند ، سهم بزرگی از عذاب مانند سهم یارانیشان از اقوامستمگر پیشین می باشد ، بنابراین عجله نکنند).

بدرستیکه خداوند رویگردانان از حق را به عذاب هشدار داده است: ﴿وَلَكِنَّ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لِّيَقُولُوا مَا يَخِيسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾. هود: 8

(و اگر مجازات را تا زمان آمدن امت معدود (313 نفر اصحاب امام زمان) به تأخیر اندازیم ، از روی استهزا می گویند: چه چیز مانع آن شده است ؟ آگاه باشید ، آن روز که عذاب به سراغشان آید از آنها بازگردانده نخواهد شد ، و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود ، و آنچه را که مسخرهمی کردند دامانشان را می گیرد).

و سپاس خداوند یگانه. خداوندا ، تو را سپاس می گویم و تو صاحب منت بر من می باشی ، خداوندا من نمی دانستم کتاب و ایمان چیست و تو آن را به من آموختی ، و گمراه بودم پس هدایتم کردی ، خداوندا من سر در گم بودم و تو مرا راهنمایی کردی ، خدایا من مریض بودم و تو مرا شفا عنایت کردی ، خدایا من عریان بودم و تو مرا پوشانیدی ، خدایا من گرسنه بودم و تو مرا سیر کردی ، خدایا من تشنه بودم و تو مرا سیراب کردی ، خدایا من فقیر بودم و تو مرا غنی ساختی ، خدایا من یتیم بودم و تو مرا پناه دادی. طاقت شکر تو را ندارم ، زیرا من به هیچ خیری

نرسیدم مگر بواسطه منت تو بر من ، و هیچ کس از من بدی را دفع نکرد مگر تو ، پس سپاس تو را همانگونه که شایسته کرم و عزت و جلالت است. خداوندا بر محمد و آل او درود فرست ، و بصیرتم را برای شنیدن ذکرت باز کن ، تا زمانیکه وحی تو را درک کنم ، و اوامرت را انجام ، و نهی هایت را ترک کنم. خداوندا ، بر محمد و آل او درود فرست ، و نظر رحمتت را از من برنگردان ، و فضل و بخشش خود را از من دریغ مکن ، و به من توفیق دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنانت را عطا بفرما ، و ترس از خود ، و رغبت به سویت ، و تسلیم شدن در برابر اوامرت ، و تصدیق کتابت ، و پیروی از سنت پیغمبرت را ، روزی من قرار بده. خداوندا حرکت کردن مرا سراسر عبرت گرفتن ، و سکوتم را اندیشه ، و کلامم را ذکر گفتن قرار ده. و گناه بزرگم را بر من ببخشای ، و مرا به پدران صالحم ملحق کن. و سپاس تو را اول و آخر ، و ظاهر و باطن. خدایا ، سلام مرا به بنده ی فرستاده ات ، جمع کننده و بلند کننده (مردم برای حساب) ، و همچنین مؤید و پیروز برسان ، و عذر می خواهم و استغفار و توبه می کنم از تو و از او ، بدلیل کوتاهی ام در تبلیغ رسالت ولی ات حضرت محمد و پسر مظلومش محمد بن الحسن (ع) که درود و صلوات بر او و بر پدران مطهرش باد.

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر مؤمنان در مشرق و مغرب زمین.

سید احمد الحسن علیه السلام

وصی و فرستاده ی امام مهدی علیه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)